



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه شهید مدنی آذربایجان
دانشکده الهیات و معارف اسلامی
گروه ادیان و عرفان

پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد
رشته ادیان و عرفان

بررسی تطبیقی تعالیم عرفانی در فیه مافیه مولوی و فوائدالنفواد خواجه نظام‌الدین اولیا

استاد راهنما:
دکتر محمد مشهدی نوش‌آبادی

استاد مشاور:
دکتر مظاهر احمدتوبی

پژوهشگر:
زینب صابراقند

مهر/۱۳۹۱

تبریز/ایران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم

این پایان نامه را ضمن تشکر و سپاس بیکران

و در کمال افتخار و امتنان تقدیم می نمایم به

روح بلند مادر عزیزم

به خاطر همه تلاشهای محبت آمیزی

که در دوران مختلف زندگی ام انجام دادند.

پاسکزاری

باسپاس از توفیقات و تأییدات حضرت باری تعالی در کسب علم و معرفت

از اساتید محترم و کرامت‌دارم

جناب آقای دکتر محمد مهدی نوش آبادی، به عنوان استاد راهنما، که مراد تهیه و تنظیم این پژوهش عالمانه و پدران راهنمایی نمودند، کمال تشکر و امتنان را دارم.

از جناب آقای دکتر مطهر احمد توبی، به عنوان استاد مشاور، که در این پایان نامه بزرگواری و تقادانه مرا مورد لطف و عنایت خویش قرار دادند، تشکر و پاسکزاری می‌نمایم.

از جناب آقای دکتر سجاد دهقان زاده، که بر من منت نهاده و قبول زحمت فرمودند و داوری این پایان نامه را تقبل نمودند، پاسکزارم. همچنین از جناب آقای دکتر ابراهیم موسی پور که در انجام پژوهش حاضر مرا یاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم. از خداوند متعال، حفظ و سلامتی و توفیقات روز افزون اساتید محترم را که سرمایه‌های علمی این سرزمین در مسیر تولید علم و پیشرفت می‌باشند، مسئلت می‌نمایم.

از زحمات بی‌کران خانواده کرامت‌دارم به ویژه خواهر عزیزم، منظر صابر به پاس دلگرمی‌های بی‌پایان‌شان که همواره مشوق من بودند، تشکر می‌کنم و وظیفه خود می‌دانم از تمامی دوستانی که مراد تدوین این پایان نامه یاری نمودند تشکر نمایم.

زینب صابر

مهرماه یکم زار و یصد و نود یک هجری شمسی

تبریز / ایران

چکیده:

فیه‌مافیه و فوائدالغواد ملفوظاتی مشتمل بر مباحث مختلف عرفانی و فلسفی می‌باشند. این متون به لحاظ بیان مطالب عرفانی و اخلاقی و احوال و افکار و کردار و شیوه تربیتی عرفا حائز اهمیت هستند. این دو کتاب در زمینه‌های گوناگون معرفت، هستی، خدا، جهان، انسان و سلوک معنوی بحث نموده‌اند. مولانا و خواجه نظام‌الدین ضمن بیان حد و مرز ابزارهای معرفت (علم تجربی، عقل و وحی) و نقد آنها، معرفت شهودی را معرفت حقیقی معرفی کرده‌اند. واقعیات هستی در تعلیم مولانا از طریق تجلی، با حق، ارتباط و وابستگی پیدا می‌کند. هر دو عارف معتقدند معرفت خدا از طریق ترک خودی انسان و بصیرت و شهود امکان پذیر می‌باشد. در فیه‌مافیه خلقت و بقای جهان به واسطه عشق خدا به اظهار می‌باشد.

در این کتاب انگیزه خلقت انسان و برتری او بر سایر مخلوقات نیز عشق می‌باشد. اولیاء با تحقق هدف خلقت (حمل امانت الهی یعنی عشق) و تخلّق به صفات الهی به مقام والای انسان کامل نائل شده و واجد اوصافی چون کرامت، هدایت خلق و دستگیری از حاجتمندان می‌باشند. به اعتقاد مولانا و نظام‌الدین انسان علاوه بر آخرت در دنیا نیز پاداش و کیفر اعمال خود را می‌بیند.

در بحث سلوک، هر دو عارف، به همراهی شریعت و طریقت در نیل به کمال تأکید کرده‌اند. آنها همچنین ضرورت وجود پیر کامل در سلوک و اطاعت از او را خاطر نشان کرده‌اند. ریاضت و جهاد با نفس اصلی مهم در سلوک تلقی شده است. سماع به یاد خدا، کوشش با وجود عنایت حق، حاجت خواهی از خداوند معطی، رازداری در طریقت و توجه به ظرفیت مستمعان در راهبری سالکان از آداب طریقت محسوب می‌شود. مراعات آداب طریقت، تزکیه اخلاق را برای سالک میسر ساخته و او را آماده کسب مقاماتی از جمله توبه، طلب حق، زهد، صبر، توکل و رضا نموده و احوالی چون خوف و رجا، فنا، اتحاد و اتصال به او دست می‌دهد.

پژوهش حاضر در تلاش است تعالیم عرفانی را در دو متن فیه‌مافیه و فوائدالغواد به طور مقایسه‌ای مورد بحث و بررسی قرار دهد.

کلمات کلیدی: تعلیم عرفانی، ملفوظه، فیه‌مافیه، فوائدالغواد، مولانا، نظام‌الدین.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۱	کلیات تحقیق
۱	بیان مسأله
۱	اهمیت و ضرورت موضوع
۲	پیشینه پژوهش
۲	اهداف پژوهش
۲	سؤال‌ها و فرضیه‌ها

بخش اول: مولانا و فیه‌مافیه

۴	مقدمه
---	-------------

فصل اول: مدخلی بر فصل اول

۶	۱-۱-۱. سیری اجمالی در عرفان اسلامی و عرفان مولانا
۸	۱-۱-۲. معرفی مولانا
۸	۱-۲-۱-۱. زندگی
۱۰	۱-۲-۱-۲. آثار
۱۰	۱-۲-۱-۳. فیه‌مافیه
۱۴	۱-۲-۱-۴. تعالیم مولوی در فیه‌مافیه
۱۵	۱-۳-۱-۱. ساختار و خصوصیات سبکی
۱۵	۱-۳-۱-۲. جایگاه و اهمیت سخن نزد مولانا
	۱-۳-۱-۳. سؤال و جواب‌هایی که در مجالس مطرح شده و موجب شده بحث به موضوعات دیگر کشیده می‌شود
۱۶	۱-۳-۱-۴. جایگاه شعر در فیه‌مافیه
۱۹	۱-۳-۱-۵. استفاده از حکایت در فیه‌مافیه
۲۰	۱-۳-۱-۶. استفاده از امثال در فیه‌مافیه
۲۱	۱-۴-۱-۱. امتیازات فیه‌مافیه
۲۱	۱-۴-۱-۲. استفاده از آیات، احادیث و روایات در فیه‌مافیه
۲۳	۱-۴-۱-۳. آگاهی مولانا از علوم مختلف و پرداختن به همهٔ معارف در فیه‌مافیه

۳-۴-۱-۱. طنز و رکاکت کلام ۲۴

فصل دوم: معرفت شناسی مولوی در فیه مافیه

مقدمه ۲۷

۱-۲-۱. ابزارهای معرفت و انواع معرفت حاصل از آنها ۲۷

۱-۱-۲-۱. عقل و علوم حسی ۲۸

۲-۱-۲-۱. عقل و علوم رسمی و دانش‌های معمول ۲۹

۳-۱-۲-۱. علم شریعت ۳۱

۴-۱-۲-۱. معرفت یقینی ۳۱

۲-۲-۱. زبان عرفان ۳۲

۳-۲-۱. وحی ۳۳

فصل سوم: هستی شناسی مولوی در فیه مافیه

مقدمه ۳۶

۱-۳-۱. تجلی ۳۶

۲-۳-۱. وحدت ۳۶

فصل چهارم: خدا شناسی مولوی در فیه مافیه

۱-۴-۱. شناخت خدا در فیه مافیه ۳۹

۲-۴-۱. شناخت حضوری یا عقلی؟ ۳۹

۳-۴-۱. شناخت خدا از طریق وسایط ۴۱

۴-۴-۱. رابطه خود شناسی با خدا شناسی ۴۲

۵-۴-۱. اسماء و صفات خداوند در فیه مافیه ۴۲

۶-۴-۱. رؤیت خداوند ۴۴

۷-۴-۱. اعیان ثابت و سرّ قدر در فیه مافیه ۴۴

فصل پنجم: جهان شناسی مولوی در فیه مافیه

۱-۵-۱. ویژگی‌های عالم در جهان بینی مولانا ۴۷

۲-۵-۱. هدف از خلقت عالم ۴۸

۳-۵-۱. نقش عشق در خلقت و بقای عالم ۴۹

۴-۵-۱. غفلت و وجود عالم ۴۹

۵-۵-۱. خیال ۵۰

۱-۵-۵-۱. راه گریز از خیال ۵۱

۶-۵-۱. جایگاه اضداد در عالم ۵۱

فصل ششم: انسان شناسی مولوی در فیه مافیه

۵۴	۱-۶-۱. هدف از خلقت
۵۶	۲-۶-۱. جایگاه انسان در میان مخلوقات
۵۷	۳-۶-۱. فرآیند آفرینش انسان و ابعاد وجودی او
۵۹	۴-۶-۱. گوهر و حقیقت وجود انسان
۶۰	۵-۶-۱. انسان کامل و ولی
۶۰	۱-۵-۶-۱. ویژگی‌ها و مصادیق انسان کامل
۶۲	۲-۵-۶-۱. ولایت و نبوت
۶۲	۳-۵-۶-۱. انبیاء و اولیاء
۶۳	۴-۵-۶-۱. اوصاف و ویژگی‌های اولیاء
۶۵	۵-۵-۶-۱. اقسام ولی
۶۶	۶-۶-۱. جبر و اختیار
۶۷	۷-۶-۱. محک‌ها
۶۷	۸-۶-۱. عشق و عقل
۶۸	۱-۸-۶-۱. عشق و عقل در فیه مافیه
۷۰	۲-۸-۶-۱. آثار و نتایج عشق در فیه مافیه
۷۱	۳-۸-۶-۱. عشق حقیقی و مجازی
۷۲	۹-۶-۱. مرگ در فیه مافیه
۷۲	۱-۹-۶-۱. بازگشت عالم و احوال معاد

فصل هفتم: سلوک معنوی

۷۶	مقدمه
۷۷	۱-۷-۱. رابطه مریدی و مرادی
۷۷	۱-۱-۷-۱. پیر
۷۸	۲-۱-۷-۱. مرید
۷۸	۲-۷-۱. آداب طریقت و نسبت آن با شریعت
۸۲	۳-۷-۱. تصفیة باطن و جهاد با نفس
۸۳	۱-۳-۷-۱. مصاحبت
۸۴	۲-۳-۷-۱. مواظبت بر خوراک
۸۴	۳-۳-۷-۱. یاد کرد خدا (ذکر)
۸۵	۴-۳-۷-۱. سماع
۸۶	۵-۳-۷-۱. کوشش انسان و کشش خدا (سلوک و جذب)
۸۷	۶-۳-۷-۱. همّت و حاجت خواهی

۸۹ پرده پوشی و رازداری ۷-۳-۷-۱
۸۹ رعایت ظرفیت مستمع ۸-۳-۷-۱
۹۱ اخلاقیات ۴-۷-۱
۹۱ فضایل اخلاقی ۱-۴-۷-۱
۹۴ رذایل اخلاقی ۲-۴-۷-۱
۹۵ نگاه به زن ۳-۴-۷-۱
۹۶ مقامات و احوال در فیه مافیه ۵-۷-۱
۹۶ مقامات در فیه مافیه ۱-۵-۷-۱
۹۶ طلب ۱-۱-۵-۷-۱
۹۷ زهد و ترک دنیا ۲-۱-۵-۷-۱
۹۸ توکل ۳-۱-۵-۷-۱
۹۹ رضا و تسلیم ۴-۱-۵-۷-۱
۱۰۰ احوال در فیه مافیه ۲-۵-۷-۱
۱۰۰ خوف و رجا ۱-۲-۵-۷-۱
۱۰۱ فقر و فنا ۲-۲-۵-۷-۱
۱۰۲ اتحاد و اتصال ۳-۲-۵-۷-۱
۱۰۳ هجران و فراق ۴-۲-۵-۷-۱

بخش دوم: تعالیم عرفانی فوائدالنفواد

۱۰۶ مقدمه
	فصل اول: مدخلی بر فصل دوم
۱۰۸ سیری اجمالی در عرفان هندی و سیر طریقه چشتیه از ایران تا هند ۱-۱-۲
۱۱۰ معرفی نظام الدین اولیاء ۲-۱-۲
۱۱۰ زندگی ۱-۲-۱-۲
۱۱۱ آثار ۲-۲-۱-۲
۱۱۱ فوائدالنفواد ۳-۲-۱-۲
۱۱۵ تعالیم نظام الدین در فوائدالنفواد ۴-۲-۱-۲
۱۱۶ ساختار و خصوصیات سبکی فوائدالنفواد ۳-۱-۲
۱۱۶ جایگاه و اهمیت سخن نزد خواجه نظام الدین ۱-۳-۱-۲
۱۱۶ سؤال و جواب در مجلس ۲-۳-۱-۲
۱۱۷ جایگاه شعر در فوائدالنفواد ۳-۳-۱-۲

۱۱۸ ۲-۱-۳-۴. استفاده از حکایت در فوائدالغواد
۱۱۹ ۲-۱-۳-۵. استفاده از امثال در فوائدالغواد
۱۲۰ ۲-۱-۴. امتیازات فوائدالغواد
۱۲۰ ۲-۱-۴-۱. ساختار ادبی
۱۲۱ ۲-۱-۴-۲. استفاده از عبارات عربی و دعایی در فوائدالغواد
۱۲۱ ۲-۱-۴-۳. توجه به سنت، استفاده از آیات، احادیث در فوائدالغواد
۱۲۳ ۲-۱-۴-۴. آگاهی خواجه از علوم مختلف
۱۲۴ ۲-۱-۴-۵. طنز و طیبیت کلام

فصل دوم: معرفت شناسی و خدا شناسی خواجه نظام‌الدین در فوائدالغواد

۱۲۷ ۲-۲-۱. ابزارهای معرفت و انواع معرفت حاصل از آنها
۱۲۷ ۲-۲-۱-۱. علوم رسمی و دانش‌های معمول
۱۳۰ ۲-۲-۲. خدا شناسی خواجه نظام‌الدین در فوائدالغواد
۱۳۱ ۲-۲-۳. رؤیا
۱۳۱ ۲-۲-۴. رازداری

فصل سوم: انسان شناسی خواجه نظام‌الدین در فوائدالغواد

۱۳۴ ۲-۳-۱. هدف از خلقت
۱۳۴ ۲-۳-۲. جایگاه انسان در میان مخلوقات
۱۳۵ ۲-۳-۳. ولایت و نبوت
۱۳۷ ۲-۳-۳-۱. اقسام ولی
۱۳۹ ۲-۳-۳-۲. کرامات اولیاء
۱۴۱ ۲-۳-۳-۳. حاجت خواهی از مشایخ صوفیه
۱۴۲ ۲-۳-۳-۴. جایگاه زیارت اولیاء و مشایخ نزد صوفیه
۱۴۳ ۲-۳-۴. جبر و اختیار
۱۴۴ ۲-۳-۵. جایگاه عشق در فوائد
۱۴۵ ۲-۳-۶. بازگشت عالم و احوال معاد

فصل چهارم: سلوک معنوی

۱۴۸ ۲-۴-۱. آغاز سلوک
۱۴۹ ۲-۴-۲. رابطه مریدی و مرادی
۱۴۹ ۲-۲-۵-۱. مرید
۱۵۱ ۲-۲-۴-۲. پیر
۱۵۳ ۲-۲-۳-۳. خرقه

۱۵۴ ۳-۴-۲. آداب طریقت و نسبت آن با شریعت
۱۵۷ ۴-۴-۲. خانقاه و خلوت
۱۵۸ ۱-۴-۲. آداب مجلس
۱۵۹ ۲-۴-۲. مصاحبت یا خلوت؟
۱۶۱ ۳-۴-۲. ذکر و آداب خلوت
۱۶۵ ۴-۴-۲. سماع
۱۶۸ ۵-۴-۲. تزکیه
۱۶۸ ۶-۴-۲. کوشش انسان و کشش خدا (سلوک و جذبیه)
۱۶۹ ۷-۴-۲. همت و حاجت خواهی
۱۷۰ ۸-۴-۲. غرور عالمانه مانع سلوک
۱۷۱ ۵-۴-۲. اخلاقیات
۱۷۱ ۱-۵-۲. فضایل اخلاقی
۱۷۴ ۱-۱-۵-۴-۲. منش درویشان
۱۷۸ ۲-۵-۴-۲. رذایل اخلاقی
۱۷۹ ۳-۵-۴-۲. نگاه به زن
۱۸۰ ۶-۴-۲. مقامات در فوائدالغواد
۱۸۰ ۱-۶-۴-۲. مقامات
۱۸۰ ۱-۱-۶-۴-۲. زهد و ترک دنیا
۱۸۱ ۲-۱-۶-۴-۲. صبر
۱۸۳ ۳-۱-۶-۴-۲. توکل
۱۸۳ ۴-۱-۶-۴-۲. رضا

بخش سوم: تطبیق و تحلیل شباهتها و تفاوتها

۱۸۶ ۱-۳. فیه مافیه/فوائدالغواد
۱۸۷ ۲-۳. معرفت شناسی
۱۸۷ ۱-۲-۳. تشابه
۱۸۸ ۲-۲-۳. تفاوت
۱۸۹ ۳-۳. خدا شناسی
۱۸۹ ۱-۳-۳. تشابه
۱۸۹ ۲-۳-۳. تفاوت
۱۹۰ ۴-۳. جهان شناسی
۱۹۰ ۵-۳. انسان شناسی

۱۹۰ تشابه	۱-۵-۳
۱۹۲ تفاوت	۲-۵-۳
۱۹۳ ویژگی عشق و آثار آن	۳-۵-۳
۱۹۳ تشابه	۱-۳-۵-۳
۱۹۴ مرید و مراد	۶-۳
۱۹۴ تشابه	۱-۶-۳
۱۹۴ تفاوت	۲-۶-۳
۱۹۵ شریعت و طریقت	۷-۳
۱۹۵ تشابه	۱-۷-۳
۱۹۶ تفاوت	۲-۷-۳
۱۹۶ تصفیة باطن و جهاد با نفس	۳-۷-۳
۱۹۶ تشابه	۱-۳-۷-۳
۱۹۷ تفاوت	۲-۳-۷-۳
۱۹۷ آداب طریقت	۴-۷-۳
۱۹۷ مصاحبت و خلوت	۵-۷-۳
۱۹۸ سماع	۶-۷-۳
۱۹۸ تشابه	۱-۶-۷-۳
۱۹۸ تفاوت	۲-۶-۷-۳
۱۹۹ جذب و سلوک	۷-۷-۳
۱۹۹ همّت و حاجت خواهی	۸-۷-۳
۱۹۹ اخلاق	۸-۳
۱۹۹ تشابه	۱-۸-۳
۲۰۰ تفاوت	۲-۸-۳
۲۰۰ زن	۳-۸-۳
۲۰۱ مقامات و احوال	۹-۳
۲۰۱ تشابه	۱-۹-۳
۲۰۱ تفاوت	۲-۹-۳
۲۰۳ نتیجه گیری	۱۰-۳

منابع و مأخذ

۲۰۵-۲۰۸ منابع و مأخذ فارسی و عربی
Abstract

مقدمه

کلیات تحقیق

بیان مسأله

در حوزه‌های علوم دینی از قدیم رسم بوده است که یکی یا عده‌ای از شاگردان، سخنان استاد در جلسات درسی را «تقریر» می‌کرده‌اند. این سخنان ممکن است جملاتی به مناسبت‌های مختلف، یک یا چند مجلس سخنرانی کامل یا متن جلسات درسی در خانقاه باشد. این سنت در بین پیروان طریقت‌های تصوف به «ملفوظات» نویسی یعنی ثبت و مکتوب ساختن سخنان پیران و مرشدان صوفی موسوم است. در این پژوهش برآنیم دو مورد از این ملفوظات را از لحاظ تعالیم عرفانی مورد بررسی قرار دهیم. یکی کتاب «فیه مافیه» است. این کتاب مجموعه‌ای از تقریرات مولوی است که وی در مجالس خود بیان کرده است. احتمالاً آن را سلطان ولد یا یکی از مریدان به رشته تحریر در آورده است. مقصود مولوی از این تقریرات بیان معارف و حقایق با توجه به استعداد و تحمل مستمعین بوده است. به طور کلی در این کتاب مولوی به بیان مطالبی در باب معارف، اخلاق، عرفان، طریقت، تفسیر آیات قرآن، احادیث و کلمات مشایخ می‌پردازد. کتاب دوم «فوائدالنفواد» یا ملفوظات خواجه نظام‌الدین اولیا پیر و مرشد امیر حسن سجزی است. مندرجات این کتاب نموداری است از طرز تفکر و روش تربیتی خواجه و بیان مسائل دینی و عرفانی و نیز رویدادهای فراوان دیگری که شیخ در برخورد با دوستان و یاران و همدرسان و هم‌آموزان خود داشته و از آنها تجربه زیستی و مردمی به دست آورده است.

اهمیت و ضرورت موضوع

سخنان و تقریرات عرفا و مشایخ صوفیه به لحاظ بیان مطالب عرفانی و اخلاقی حائز اهمیت است. این آثار هم چنین نکات ارزنده‌ای در باره احوال و افکار و کردار مشایخ و عرفا و نیز شیوه تربیتی آنها به دست می‌دهند. این کار در زمینه پژوهش جهت مقایسه دو ملفوظه مهم از دو شخصیت برجسته تاریخ

تصوف مهم تلقی می‌شود. در این پایان نامه دو متن مهم ملفوظه که معرف دو حوزه فرهنگی و اجتماعی تصوف است برگزیده شده است: ۱- «فیه‌مافیه» از حوزه فرهنگی ایران بزرگ ۲- «فوائدالغواد» از شبه قاره هند.

پیشینه پژوهش

در زمینه ملفوظات اثر قابل ملاحظه‌ای تحریر نشده است. اما در کتاب «ارزش میراث صوفیه» به ملفوظات به عنوان بخشی از ادبیات تصوف اشاره شده و دکتر صفا نیز در جلد دوم کتاب «تاریخ ادبیات ایران» در این زمینه آثاری را نام برده است. زوایای عرفانی این آثار در مقایسه با دیگر نوشته‌های صوفیه مورد دقت واقع نشده است.

اهداف پژوهشی

نگارنده از انجام این پژوهش، اهداف ذیل را دنبال می‌نماید:

- ۱- تأمل در محتوای دو اثر مهم از دو عارف برجسته در دو حوزه مختلف فرهنگ اسلامی.
- ۲- مشخص کردن زوایای دیگری از شخصیت و تعلیم عرفانی این دو عارف.
- ۳- نشان دادن نکات اشتراک و افتراق این دو اثر.

سؤالها و فرضیه‌ها

در این پژوهش سؤالاتی که مطرح می‌شوند عبارت هستند از:

۱- تعالیم عرفانی مطرح شده در فیه‌مافیه و فوائدالغواد که جزو ملفوظات هستند از چه سنجی است؛ آیا توجه بیشتر بر جنبه سیر و سلوک یا اخلاق است یا مباحث نظری و یا مکاشفات و تجارب عرفانی؟

۲- «فیه‌مافیه» که مشرب ذوقی مولانا است چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با تعالیم مطرح شده در فوائدالغواد دارد؟

نگارنده براساس سؤال‌های مطرح شده فوق الذکر، فرضیه‌های ذیل را مطرح می‌نماید:

- ۱- به نظر می‌رسد بیشتر مربوط به مباحث اخلاقی و سیر و سلوک باشد.
- ۲- تفاوت‌ها و شباهت‌ها محسوس است و گرایش‌های دو عارف به خوبی در ملفوظه‌هایشان نمودار است.

بخش اول

مولانا و فيہ مافیہ

مقدمه

«ادب صوفیه هم شامل نظم است و هم شامل نثر. هم فلسفه دارد و هم اخلاق، هم تاریخ دارد و هم تفسیر، هم دعا دارد و هم مناجات، هم حدیث دارد و هم موسیقی. قسمت عمده‌ای از نظم و نثر صوفیه هم تحقیق است و وعظ که با دنیای عقل و فکر سر و کار دارد. سیرت مشایخ و اقوال آنها و تأویل قرآن و حدیث و کلام صوفیانه نیز از همین مقوله است». (زرین کوب، ارزش ...، ۱۲۹-۱۲۸) «در مجالس وعظی که در خانقاه یا بیرون از خانقاه تشکیل می‌شد شیخ موعظه‌های عارفانه هم می‌کرد که این موعظه‌ها گاه سرشار بود از ذوق و حال. معارف شمس تبریزی، معارف بهاء‌ولد، معارف برهان محقق، مجالس سعدی، فیه‌مافیه نمونه‌هایی بود از آنچه در این مجالس ذکر می‌شد». (همان، ۹۴-۹۳)

«کتب مواعظ و ادب و سیر و مقالات در فهم اقوال و تعالیم و اطوار صوفیه و درک مقاصد و مطالب آنها حال کتب اهل مدرسه را دارند و احاطه بر تمام موارث روحانی صوفیه بی‌توجه به آنها ممکن نیست». (همان، ۱۳۰) یکی از این کتب مواعظ و مجموعه مقالات، "فیه‌مافیه" می‌باشد که شامل سخنان مولانا است که یکی از مریدانش آنها را جمع‌آوری و ثبت نموده است.

این سنت که مریدی، اقوال و تعالیم پیر را در مجلس ضبط و ثبت نماید ریشه در سنت اسلامی دارد. در قرون اول اسلامی علاوه بر این که سخنان پیامبر در قالب روایت و حدیث جمع‌آوری می‌شد، رفتار و کردار ایشان نیز در قالب سیرت گردآوری می‌شد. صوفیه نیز با تبعیت از این سنت، احوال و سخنان و تعالیم پیر خود را گرد آورده و مکتوب می‌ساختند (قس: دهلوی، بیست و سه) که به این سنت در اصطلاح ملفوظه نویسی گفته می‌شود. نگارنده در این بخش سعی بر آن دارد تا ضمن معرفی یکی از این ملفوظات (فیه‌مافیه) و بیان ساختار ادبی آن، تعالیم عرفانی این کتاب را مورد بررسی قرار دهد.

فصل اول

مدخلی بر بخش اول

۱-۱-۱. سیری اجمالی در عرفان اسلامی و عرفان مولانا

«عرفان طریقه معرفت در نزد آن دسته از صاحب‌نظران است که برخلاف اهل برهان در کشف حقیقت بر ذوق و اشراق بیشتر اعتماد دارد تا بر عقل و استدلال. این طریقه در بین مسلمین تا حدی مخصوص صوفیه است و در نزد سایر اقوام برحسب تفاوت مراتب و به نسبت ظروف زمانی و مکانی خاص نام‌های مختلف دارد که آن همه را امروز تحت عنوان میستی سیسم یا معرفت اهل سرّ می‌شناسند». (زرین-کوب، ارزش ...، ۹)

«با وجود تفاوتی که بین عقاید و تعالیم رایج در مذاهب مختلف عرفانی هست باز شباهت بین آنها بقدری است که محققان طریقه عرفان را طریقه‌ای می‌دانند که در آن، بین اقوام گوناگون جهان اشتراک و شباهت هست و اساس آن از جهت نظری عبارتست از اعتقاد به امکان ادراک حقیقت از طریق علم حضوری و اتحاد عاقل و معقول؛ و از جهت عملی عبارتست از ترک رسوم و آداب قشری و ظاهری و تمسک به زهد و ریاضت، و خلاصه گرایش به عالم درون». (همان)

«شک نیست که اندیشه‌های فلسفی و دینی گوناگون در جریان تصوف اسلامی وارد و حل شده است لیکن فرض آنکه تصوف ناچار باید یک منشأ غیر اسلامی داشته باشد امروز دیگر موجه و معقول نیست». (همان، ۱۳) «تصوف در ذات خود یک نگرش متافیزیکی و راهی برای رسیدن به کمال معنوی است که اساساً از متن وحی اسلامی بر آمده است. در نزد خود صوفیان، یکی از روشن‌ترین حجت‌ها در اثبات سرشت عمیقاً اسلامی تصوف این است که آداب و سلوک آن مبتنی بر گفتار و کردار پیامبر اسلام است». (چیتیک، «تصوف ...»، ۵۹)

«تصوف طریقه‌ای است که با زهد کلی آغاز شد. در زمان رسول (ص) صالحان مؤمن و مسلم خوانده می‌شدند و پس از آن اسم زاهد و عابد در میان آمد و کسانی که از آن پس بکلی از دنیا منقطع شدند و عبادت را طریقه خویش ساختند، خود را صوفیه خواندند». (زرین کوب، دنباله ...، ۱۱)

«تصوف که از قرن دوم هجری از زهد جدا شده و مسلکی بود مبتنی بر عشق و شور و وجد و شوق و بیان اسرار قرآن و حدیث نبوی همواره مورد توجه متفکرین و اصحاب ذوق و روشن بینان و ژرف اندیشگان ایران و دیگر ممالک اسلامی واقع می‌شد و شعرای باطن بین حکمت اندیش از دیرباز بدین روش گراییده و گرویده بودند». (فروزانفر، احادیث ...، دوازده)

«اندیشه زهد و پارسایی صوفیه به جهت تندروی‌هایی که داشت تا حدی از لوازم شریعت انحراف جست و پیدایش اندیشه تأویل ظاهر و فکر رجوع به باطن احکام که نزد آنها قوت گرفت موجب بدگمانی عامه در حق آنها گشت. حدیث محبت الهی هم متشرعه را از آنها ناراضی کرد و رفته رفته سخنانی از صوفیه صادر می‌شد که گویی فقها و اهل حدیث را به چالش می‌خواند». (زرین کوب، ارزش ...، ۵۶) «لیکن با وجود این تصوف رونقی داشت و عامه که از سخنان غریب متکلمان وحشت داشتند و هم حدیث هول فقها را موافق ذوق خویش نمی‌دیدند به صوفیه روی آوردند.

با این همه تعالیم صوفیه هم از تأثیر محیط (بغداد) که رنگ فلسفه گرفته بود برکنار نماند و این نکته خود سبب تسریع در تحول مبادی تصوف شد». (همان، ۵۷)

«با این همه این آمیزش بین عرفان و فلسفه، تصوف را به سوی افراط کشانید. حدیث عشق و محبت منتهی شد به دعوی حلول، و عاقبت سخن از انا الحق هم رفت». (همان، ۵۸)

«شیوع روش صوفیان از قرن سوم و تأسیس خانقاه و بسط و توسعه آن از قرن چهارم و تطبیق اصول معرفت با مبانی حکمت به وسیله ابوعلی سینا و توجیه آن با موازین شرعی و روایات دینی به سعی ابوطالب مکی در «قوت القلوب» و ابوالفضل محمد بن طاهر مقدسی در «صفوة التصوف» و ابوحامد غزالی در «احیاء العلوم» یکباره این مسلک را نفوذ و تأثیری بیش از حد تصور بخشید و هر مستعد صاحب ذوقی را بدان متوجه و منجذب ساخت و خاصه شعرا را از دربار امرا و سلاطین به حلقه اهل خانقاه درآورد. با آغاز سده پنجم، اصطلاحات و اندیشه‌های صوفیانه رفته رفته راه خود را به سرزمین بارور تخیل شاعرانه ایرانی پیدا کردند». (لوپزن، ۲۰۷/۱) «از اواسط قرن پنجم سبکی نو آیین که به زودی پایه شعر فارسی قرار گرفت در وجود آمد و آن روش همان است که آن را شعر عرفانی و سبک صوفیانه می‌توان گفت». (فروزانفر، احادیث ...، سیزدهم)

«گرایش‌های روشنفکرانه اواخر سده پنجم در اسلام تصوف را به نظریه پردازي و سازماندهی خود سوق داد. این به نوبه خود باعث ظهور طریقت‌های صوفیانه، به طور پراکنده در سراسر جهان اسلام شد». (زرین کوب، تصوف ...، ۴۳-۴۴) «در آسیای صغیر، دو سلسله مهم بیشتر شهرت یافته‌اند: مولویه و بکتاشیه. مولویه که دو فرقه پوست نشینان و ارشادیه از آنها برخاسته‌اند منسوبند به جلال‌الدین محمد بلخی رومی (۶۷۲) معروف به مولوی و مولانای روم». (همو، ارزش ...، ۸۳)

«جلال‌الدین محمد مولوی بلخی در زمانی می‌زیست که دوران اوج ترقی و درخشش تصوف در ایران بود. در طی سه قرن پیش از روزگار او، دربارهٔ اقسام علوم ادبی، فلسفی، دینی و غیر اینها، به همت دانشمندان، شاعران و نویسندگان نام‌آور ایرانی مطالعات عمیق انجام گرفته و آثار گرانبهایی پدید آمده بود.» (وزین‌پور، آفتاب ...، ۱۵) «قلهٔ تصوّف ایرانی، اگر نگوییم قلهٔ جهان اسلام، را نه سنایی نه عطار، بلکه جلال‌الدین رومی فتح کرد.» (زرین کوب، تصوف ...، ۶۵)

«تصوف مولانا درس عشق بود، درس تبتّل و فنا بود، تجربهٔ از خود رهایی بود. از طالب فقط سلوک روحانی می‌خواست - سلوک روحانی برای عروج به ماورای دنیای نیازها و تعلّقات. این طرز سلوک که تصوف وی آن را طلب می‌کرد طی کردن خط سیری روحانی بود که می‌بایست انسان را از خود آزاد کند و در مراتب کمال انسانی به پویه اندازد.» (همو، پلهٔ پله...، ۲۸۸)

۱-۱-۲. معرفی مولانا

۱-۱-۲-۱. زندگی

«نام او به اتفاق تذکره نویسان محمد و لقب او جلال‌الدین است، و تمامی مؤرخین او را بدین نام و لقب شناخته‌اند. جز جلال‌الدین، وی را به لقب خداوندگار نیز می‌خوانده‌اند. گفته‌اند اطلاق صفت خداوندگار به او، از بهاء‌ولد (فرزند مولوی) است.

علت شهرت او به رومی و مولانای روم نیز، همانا طول اقامت وی در شهر قونیه بوده است.» (مولوی، مثنوی ...، با مقدمه ... عباسی، ۳۳)

«جلال‌الدین مولوی، به سال ۶۰۴ ه‍.ق/۱۲۰۷م، در بلخ واقع در افغانستان امروز به دنیا آمد. پدرش بهاء‌ولد، به عنوان یک فقیه و صوفی، در علوم ظاهر گرایانهٔ مربوط به شریعت یا قانون الهی، و علوم باطن‌گرایانهٔ مربوط به طریقت یا راه معنوی صاحب مرجعیت بود. او در مقام فقیه، مسلمانان عادی را در تکالیف مذهبی‌شان راهنمایی می‌کرد و در مقام صوفی، گروهی منتخب از شاگردان را در راه تطهیر نفس و نیل به کمال معنوی هدایت می‌کرد.» (چیتیک، راه ...، ۱)

«حوالی سال ۶۱۶ ه‍.ق/۱۲۱۱م مغولان به بلخ نزدیک و نزدیک‌تر می‌شدند. بهاء‌ولد به همراه خانواده و بسیاری از پیروانش برای زیارت مکه، شهر را ترک گفت، در حالی که می‌دانست احتمالاً هرگز به آنجا باز نخواهد گشت.» (همان، ۲-۱)

«پس از انجام حج، بهاء‌ولد عازم آسیای صغیر شد و در قونیه (در ترکیه امروز) مورد استقبال گرم پادشاه سلجوقی، علاء‌الدین کیقباد و وزیر فاضلش معین‌الدین پروانه، که بعدها یکی از پر نفوذترین